

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عزت زن در تطبیق احکام پروردگارش نهفته است

(ترجمه)



جنگ علیه اسلام هنوز هم متوقف نشده است و دشمنان اسلام از زنان مسلمان منحنیت افزار، با وارد نمودن ادعاها و ایرادهای شان بالای قوانین اسلام در برابر آنان، در این جنگ استفاده می‌کنند. بطور مثال: آن‌ها ادعاء دارند که اسلام در مسایل میراث از تبعیض در برابر زنان استفاده نموده، چرا که برای خواهر نصف اندازه مال برادر داده می‌شود. این در حالی است که آنان این حقیقت را-که اسلام مردان را مسئولیت داده تا بالای زن و خانواده‌اش پولش را مصرف کند- از نظر می‌اندازند، حالآن‌که زنان حتی در مصرف نمودن یک در هم بالای دیگران مکلف نشده‌اند، اگرچی پولدار هم باشند.

آن‌ها هم‌چنان ادعاء دارند که تعدد زوجات در حق زنان نوعی از بی‌عدالتی است، باوجود این‌که بالای مردان تحمیل شده تا هم از دید مالی و هم مادی در خدمت زنان‌شان باشند و با ایشان با مهربانی و محبت رفتار نمایند. اما در عین حال، آن‌ها زنا را تقبیح نمی‌کنند، چیزی‌که در کشورهای سیکولر به یک اصل مبدل شده است و به اساس آن یک مرد می‌تواند با زنان بی‌شماری ارتباطات داشته باشد و هیچ مسئولیتی را در برابر آن زنان و اطفالی‌که متولد می‌شوند، به عهده نمی‌گیرد. پس شما را به الله سبحانه و تعالی قسم، کدام یک بالای زنان ظلم نموده و آنان را بی‌عزت ساخته است؟! آن‌ها بالای از دواج‌های قبل از وقت انتقاد می‌کنند و می‌گویند که حقوق اطفال نقض می‌شوند، مگر به داشتن روابط نامشروع در سن خورد و نتایج آن، که باعث متولد شدن اطفال بی‌پدر و مادران مجرد جوان می‌گردد، توجهی نمی‌کنند. آن‌ها در مورد متفاوت بودن حقوق و وظایف میان مردان و زنان در اسلام؛ مانند: تعداد شهود، وظایف فامیلی و ناجایز دانستن حاکمیت زنان بحث می‌کنند و ایراد دارند که اسلام زنان را از دید ارزش و عقل نسبت به مردان به درجه دوم قرار داده است. در حالی‌که همیشه فرموده الله سبحانه و تعالی را فراموش می‌کنند:

﴿وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا﴾

[نحل: ۷۲]

ترجمه: الله سبحانه و تعالی از جنس خود شما برای‌تان همسرانی قرار داد.

و این حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم:

«إِنَّمَا النِّسَاءُ شَقَائِقُ الرِّجَالِ»

ترجمه: حقیقتاً زنان مکمل مردان اند.

به همین ترتیب، احکام در مورد لباس زنان مسلمان، تفاوت میان زن و مرد و سایر احکام شرعی روابط میان زنان و مردان را تنظیم می‌کند، مگر آن‌ها این امر را به دید اهانت و کم ارزش ساختن زنان تعبیر می‌نمایند. پس اگر چنین است، ما از آن‌ها می‌پرسیم که حقیقت فعالیت زنان را در عصر پیامبر صلی الله علیه وسلم، صحابه کرام و دوران دولت اسلامی، که با پابندی به حجاب و سایر احکام اسلامی در بخش‌های سیاست، اقتصاد، تعلیم و تربیه و امور عامه زنده‌گی فعال بودند، چی تعبیر می‌کنند؟!

بی‌عدالتی موجودی که زنان از آن در ممالک اسلامی رنج می‌برند، مانند: ازدواج اجباری، قتل‌های ناموسی، محرومیت از میراث و تعلیم، نگاه ناقص به آنان از دید نظر و اعتماد و استفاده از خشونت و ظلم، بخاطر احکام اسلام نبوده، بلکه معلول رسم و رواج‌هایی است که از احکام اسلامی بسیار فاصله دارند و یا هم بخاطر ممانعت رژیم‌های غیراسلامی به وجود آمده اند؛ مگر همیشه توسط دشمنان اسلام ریشه اسلامی داده می‌شوند.

این بحث به افزاری برای سیکولران مبدل شده که توسط آن بالای احکام اسلام حمله می‌شوند و بسیاری‌ها را خاصتاً زنان را از بازگشت دولت خلافت می‌هراسانند و برای آنان چنین می‌انگارند که دولت خلافت آنان را به عصر خدمت‌گاری، کنیز بودن و غلامی برمی‌گرداند که در آن از حق تعلیم و کار محروم می‌باشند و امثال این دروغ‌های را می‌گویند که اسلام از آن پاک است. در تحت حاکمیت اسلام و خلافت، زنان از زنده‌گی با وقار، صاحب حق و حفاظت، لذت برده‌اند. جنگ‌ها بخاطر حفظ وقار زنان براه انداخته می‌شدند و لشکرها بخاطر آزادی‌شان به جنبش می‌آمدند تا آن‌ها را از چنگ ظالمان رها سازند؛ مگر با از دست دادن دولت پاسبان‌شان، عزت‌شان را نیز از دست دادند.

بلی، زنان بسیاری چیزهای خود را با رفتن خلافت از دست دادند، آن‌ها نظام اسلامی را از دست دادند که در سایه آن از خدمات و محافظت‌شان لذت می‌بردند؛ نظامی که آن‌ها را حق می‌داد تا بدون ترس حکام‌شان را در ملای عام انتخاب و مآخذ نمایند و نظامی که هزاران عالم زن را تربیت کرد که در تعلیم زنان بی‌سابقه بود. هم‌چنان، زنان حکامی را از دست دادند که نیازهای اقتصادی‌شان را طبق ضروریات آن‌ها و خانواده‌های‌شان تنظیم کرده بودند تا بخاطر بدست آوردن چیزی مجبور به کار نشده، خانه و اطفال خود را بخاطر بدست آوردن پول و یا کمک به فامیل، ترک نکنند.

زن دولت اسلامی خود را از دست داد؛ دولتی که به او صفت خانم و مادر را می‌بخشید و ارزش والایی می‌داد؛ دولتی که مسئولیت سنگین اعاشه را از دوش زن دور ساخت و امر کرد تا منحصت پرورش دهنده و معلم نسل‌های آینده، بدون قید و شرط مورد احترام قرار گیرد. زن جامعه‌ای را از دست داد که اطفال‌اش در آن توسط مدارس و مکاتب اسلامی به ارزش‌های ناب اسلام و قوانین‌اش پرورش می‌یافت و از رفتن‌شان به مکتب، کوچ و جامعه تشویش نداشت. این دولتی بود که در آن به مقام زن مسلمان، زنان دیگر دنیا رشک می‌پردند.

اگر مقایسه کنیم، زنان در طی نه قرن گذشته، که خلافت را از دست داده‌اند، پس چی به دست آوردند؟ زنده‌گی زنان پر از فقر، مصیبت، تنگدستی، مرگ و ویرانی شده است. زن مجبور به گدایی به روی سرک‌ها شده و بخاطر یافتن غذا، زباله‌دانی‌ها را می‌بیند و اطفال‌اش از گرسنگی رنج می‌برد. زن بخاطر یافتن کار به هدف غذا یافتن به خود و فامیل‌اش، مجبور گشته تا پسرانش را به خارج از کشور روانه کند. زن وسیله و متاع برای شرکت‌های تبلیغاتی شده و از ظرافت، زیبایی و وقارش بهره‌برداری شده است. زن از حقوق‌اش محروم شده و هیچ عدالت‌خواهی بخاطرش نمی‌شود.

در سوریه، برما و افریقای مرکزی، اطفال زنان در مقابل چشمان‌شان سربریده شدند و از خانه‌های خودشان به زور خارج کرده شدند و هیچ ارتشی به کمک آن‌ها نیامد و نه هم هیچ دولتی زنده‌گی درست در چوکات امنیت و صلح را برای‌شان مهیاء

کرد. زن بخاطر پوشیدن حجاب اسلامی‌اش مورد تحقیر، دشنام و حمله قرار گرفت و بارها با شکنجه و عذاب روبرو و به زندان انداخته شد، اما هیچ‌کسی بخاطر حمایت و حفاظت وی صدا بلند نکرد. نقش زن منحيث مادر و خانم فراموش و بی‌ارزش دانسته شد و اطفالش از ناحیه فساد و بداخلاقی آسیب پذیر شدند. همچنان، زن تحت تأثیر مفاهیم غربی، ارزش‌های نظام سرمایه‌داری، آزادی و بی‌اطاعتی نسبت به پدر و مادر و افراد مسن‌تر سوق داده شدند و حتی تا جایی‌که یک تعدادشان از دید هویت، لباس و اخلاق مشابه غرب شده‌اند که رنجش‌های پدر و مادر با اطفال‌شان و اختلافات موجود میان زنان و مردان، دلیل واضح به این ادعاء است.

آیا ده قرن رنج، حقارت و مصیبت برای این امت کافی نیست؟! آیا ما بخاطر این بی‌عدالتی‌ها ده‌ها سال را در درد و رنج سپری نکردیم؟! پس بگذارید تا برای دمیدن یک زنده‌گی تازه، که پر از عزت و وقار در تحت سایه دولت خلافت راشده ثانی به منهج نبوت باشد، باهم یکجا کار کنیم. ای الله سبحانه و تعالی! ما را در رساندن دعوتات یاری رسان و ما رابه کسانی همراه کن تا وسیله برای پیروزی همه‌ای ما شوند و تأسیس دولت مقتدر اسلامی را که افتخار و حفاظت ما را دوباره برگرداند، سریع بگردان.

نویسنده: مسلمة الشامی (ام صهیب)
برای دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر
۲۱ جمادی الثانی ۱۴۳۹ هـ.ق
۷ فبروری ۲۰۱۸ م